

مراد دل

مجموعه اشعار استاد علی مرادی

نمای تاریخ - ۱۳۹۶

سرشناسه: مرادی، علی، ۱۳۰۵ - ۱۳۹۰.

عنوان و نام پدیدآور: مراد دل / علی مرادی.

به کوشش و توضیحات: سید غلامحسین بهرسی

غلامرضا قربانی مقدم

ویراستار: غلامرضا عوض نژاد

مشخصات نشر: تهران: ندای تاریخ، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۶۰ ص.

شابک: ۱۳۰۰۰۰-۱-۶-۹۷۳۸۸-۹۷۸-۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مرادی، علی، ۱۳۰۵ - ۱۳۹۰ -- نقد و تفسیر

موضوع: مرادی، علی، ۱۳۰۵ - ۱۳۹۰ -- نامه‌ها

موضوع: شعر دشتی

موضوع: Dashti poetry

رده بندی کنگره: ۴۴۳۳۲۸۴ PIR / د ۱۳۹۶ م

ه. بندی دیویی: ۹۶۴۳۰/۱/۹۸۸

ش. ره کتابشناسی ملی: ۴۸۰۵۴۴۷



موسسه و انتشارات: ندای تاریخ

خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، ساختمان ۱۵۶، ورودی دوم، طبقه دوم

۹۰۲۵ - ۶۶

مراد دل

علی مرادی

به کوشش و توضیحات: سید غلامحسین بهرسی، غلامرضا قربانی م.

ویراستار: غلامرضا عوض نژاد

حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: موسسه و انتشارات ندای تاریخ

لیتوگرافی: بوستان کتاب

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۸۸-۹۷۸-۱-۶

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

فهرست

۷	مقدمه دکتر محمود دل‌آساده
۱۳	پیش‌گفتار
۲۵	مرادی به قلم خودش
۳۵	یادداشت آوانگار
۳۷	کلاخا، تصویری ماندگار
۴۱	بخش اول: شعرهای گویشی با آوانحاری برگردان به نثر
۴۳	کلاخا یاد مو و حدو
۶۳	برگردان منظومه «کلاخا» به نثر
۷۰	برگردان منظوم شعر «کلاخا» از آقای مسعود بهرامی
۷۶	یاد گرگو
۱۰۱	برگردان منظومه «یاد گرگو» به نثر
۱۰۹	شی بار زور بدشتم
۱۴۳	برگردان منظومه «موتا بدشتم شی بار زور بدشتم»
۱۵۵	رجز حضرت مسلم بن عقیل
۱۶۷	برگردان رجز حضرت مسلم بن عقیل به نثر
۱۷۱	بخش دوم: قصیده‌ها، مثنوی‌ها، غزل‌ها، تضمین‌ها و قطعه‌ها
۱۷۳	مظهر آیات خدا
۱۷۸	فرزدق و هشام
۱۸۱	عقاب
۱۸۵	گذری به فیروز آباد
۱۸۸	حکایت پیرزن و سلطان سنجر
۱۸۹	حکایت پیر خارکن
۱۹۰	انوشیروان
۱۹۲	ما عاشقان بی‌دل
۱۹۳	چشم تمنا
۱۹۴	دل شیدایی
۱۹۶	پسر مریم صبح
۱۹۶	(تضمینی از غزل حافظ)
۱۹۷	وصل یار
۱۹۷	(تضمینی دیگر از غزل حافظ)

۱۹۹	انتظار
۲۰۰	تضمین غزل معروف امام خمینی (ره)
۲۰۱	دیدمت دیدمت بنامیزد
۲۰۲	فرزانه فهیم
۲۰۷	بخش سوم: اشعار دوستانه، مطایبه‌ها و اشعار پراکنده
۲۰۹	نامه‌ی منظوم مرحوم مرادی به دکتر هیبت الله مالکی
۲۱۲	پاسخ منظوم دکتر مالکی به نامه مرادی
۲۱۷	نامه‌ی منظوم دیگری به دکتر مالکی
۲۱۹	پاسخ دکتر مالکی به دومین نامه منظوم استاد مرادی
۲۲۳	نامه‌ی منظوم به دکتر سید حسن هاشمیان
۲۲۵	نامه به سید مهدی دشتی
۲۲۶	نامه به بیت الله سید مصطفی حسینی دشتی
۲۲۸	نامه به دکتر اختر شاملو
۲۳۰	پاسخ خانم دکتر شاملو
۲۳۲	نامه به عزت الله فرزانه
۲۳۴	نامه منظوم به رسول ریزی
۲۳۶	پاسخ رسول پرویزی به مرادی
۲۳۷	نامه به عباس رستم‌زاد
۲۳۹	دومین نامه عباس رستم‌زاد
۲۴۱	سخنی با بهزادی
۲۴۳	مطایبانی با جناب آقای سید علی مهیمیان
۲۴۵	سوژه‌ی آقای مهیمیان
۲۴۶	شکار پلنگ
۲۴۸	تضمین سید اسماعیل بهزادی از غزل مرادی
۲۴۹	سید اسماعیل بهزادی - ۸۱/۱۱/۶
۲۵۰	مناظره‌ای دزد با دزد
۲۵۸	مطایبه‌ی روباه
۲۵۹	تاریخ احداث پل مُند
۲۵۹	(بنا به خواسته مرحوم پرویزی به حساب جمل)
۲۶۰	در رثای مرحوم حاج سید علی نقی دشتی
۲۶۱	در رثای مرحوم حاج سید محمد حسن نبوی
۲۶۲	در رثای مرحوم زابر حسین نامجو
۲۶۲	بزرگ خاندان رؤسای درازی
۲۶۳	کتاب‌شناسی توصیفی حاج علی مرادی
۲۶۹	فهرست منابع و مآخذ

پیش گفتار

آنچه پیش روی خوانندگان عزیز قرار دارد، مجموعه آثار منظوم و اشعار زنده یاد حاج علی مرادی خورموجی، متولد ۱۳۰۵ ش و متوفای ۱۳۹۰ ش است. بزرگ مردی که با مردم زیست و شعرش آینه‌ی تمام نمای زهنش، درها، دردها و رنج‌های مردم دیارش بود. رمز ماندگاری و خوشنامی مرادی «خود آینه‌ی انسان وی» بود.

شادروان حاج علی مرادی، فرزند حاج احمد متولد و ساکن شهر خورموج مرکز شهرستان دشتی استان بوشهر است. پدرش، مرد تاجر و کاسب و در خورموج دارای آب و ملک و آسیاب و چند باب دکان بود. به دلیل موقعیت خاص خورموج در منطقه‌ی دشتی و جنوب ایران، مردم روستاها و شهرهای اطراف به این شهر رفت و آمد راوانی داشتند. حاج احمد مرادی نیز که جایگاه ممتازی در شهر خورموج داشت، همه روزه برای افراد گوناگونی بود و خان‌ها، رؤسا، کدخدایان، ملاها، علما، تاجران و کسبه به خانه‌ی وی تردد و اف‌ا‌س خانواده از آنان پذیرایی می‌کردند. حاج علی مرادی از دوران کودکی با اقشار گوناگون مردم آشنایی داشت و بسیاری از افراد صاحب نام و تأثیرگذار سده‌ی اخیر را به چشم دیده بود و خاطرات بسیاری از آنان در ذهن داشت. حاج علی، برادری کوچکتر از خود داشت که در خردسال از دنیا رفت و او همراه با چهار خواهر خویش زندگی را در خانه پدر ادامه داد.

تبارشناسی خاندان مرادی

خانواده و بستگان مرادی، در شهر خورموج به «امیری‌ها» معروفند. نیاکان آنان بنا به نقل مرحوم مرادی از شهر هویزه در استان خوزستان به خورموج مهاجرت کرده و ساکن شده‌اند. جد ششم آنان «عالی پیر» از حدود سیصد سال پیش شهر هویزه را ترک و به جنوب ایران هجرت کرد و در خورموج سکونت گزید. بنا به باور و سنت خانوادگی این خاندان، امیری‌ها اصالتاً «کُرد» می‌باشند که پس از مهاجرت از مناطق کردنشین به منطقه هویزه وارد شده و گروهی از آنان بعدها به دیار دشتی کوچیده‌اند. گفتنی است که خویشاوندان این خاندان که اکنون در هویزه سکونت دارند دارای نام خانوادگی امیری هستند و از نظر چهره و مشخصات ظاهری شباهت زیادی با اقوام خود در خورموج دارند.



تبار خاندان مرادی ساکن در خورموج

جایگاه ادبی حاج علی مرادی

نام نیک مرادی دیر زمانی است که از دشتی گذشته و مرزهای استان بوشهر را درنور دیده است. نزدیک نیم قرن است که نام وی با ادبیات و شعر بومی جنوب پیوندی ناگسستنی یافته است؛ تا آن‌جا که شعر «کلاخا»ی وی را «حیدربابا»ی شعر جنوب ایران نامیده‌اند.

مرادی نخستین شاعری نیست که به گویش بومی مردم دشتی شعری سروده است. پیش از وی شیخ علی عاشوری (متخلص به معکوس)، سید علی نقی دشتی و میرزا محمد جواد حامدی، اشعاری در این زمینه سروده‌اند؛ اما مرادی نخستین شاعری است که منظومه‌ای مستقل و کامل به گویش دشتی به نظم در آورده است. با سرودن منظومه‌ی کلاخا جنب و جوش ادبی خاصی در حوزه‌ی شعر گویش جنوب پیدا کرده است و شاعران بسیاری، در استان بوشهر در این زمینه طبع آزمایی کرده‌اند. «سید اسماعیل بهرادی»، «محمد غلامی»، «محمد بیابانی»، «دکتر مجید عابدی»، «سید طالب هاشمی»، «احمد منوری» و «حسین نوری فیروزی» از جمله شاعرانی هستند که از چند دهه پیش آثاری را در این زمینه آفریده‌اند. باید یادآوری کرد که پیش از سرایش منظومه کلاخا، مرحوم ایرج شمس‌زاده نخستین شعر را در سال ۱۳۵۳ و فرج‌الله کمالی غزل «قمر» را در همین سال به نظم درآورده است. این شاعران که نامشان با شعر گویشی پیوند خورده است، همه متأثر از جریان ادبی بومی سرایی و سرسرای گویش مردم استان، به آفرینش هنری و سرایش شعر گویشی پرداخته‌اند. این حال و هوا تا امروز نیز پویایی و نشاط خود را حفظ کرده است و هر ساله چهره‌های تازه‌تری در میان شاعران استان، ظهور می‌یابند و آینده‌ای روشن را برای این نوع ادبی نوید می‌دهند.

در دهه‌ی هشتاد، مرحوم مرادی برای اینکه «گوهر قیمتی شود خست» منظومه‌ی دیگری به سبک و شیوه‌ی کلاخا سروده که می‌توان آن‌را نتیجه و دنباله منظومه‌ی کلاخا دانست. این منظومه «کلاخا یاد گرگو» نام دارد. مرادی این بار، با پختگی و بذل فرصت بیشتری به سرایش منظومه‌ای به گویش دشتی پرداخت و گنجینه‌ی شعر گویشی جنوب را غنای بیشتری بخشید.

با این‌که منظومه‌ی «گرگو» تحت الشعاع و در زیر سایه‌ی بلند کلاخا قرار گرفته است اما این منظومه از نظر محتوا، کاربرد واژه‌ها و ترکیبات و امثال و حکم گویشی دشتی، انسجام فکری و فنی شعر و انعکاس فضای اجتماعی و فرهنگی دوران گذشته دشتی بسیار درخور اعتنا است.

علاوه بر این، چند قطعه شعر دیگر در میان آثار مرادی به گویش دشتی دیده می‌شود که بیانگر توانایی و مهارت آن شادروان در این عرصه است. مثنوی «جنگ خندق»، «رجز حضرت مسلم» و «شی بار زور بُدشم» گواه صادقی بر توانایی و مقام بلند مرادی در بومی سرایی و طبع

آزمایی در زمینه گویش بومی دشتی است. آنچه در این زمینه شگفت‌انگیز می‌نماید این است که مرادی که خود در خورموج زاده شده و پرورش یافته و در تمام عمر به گویش خورموجی تکلم کرده است، به‌خوبی و با مهارت تمام توانسته است به گویشی غیر از گویش خود - یعنی گویش مردم دشتی - شعر بسراید و از این آزمون سربلند و موفق بیرون آید. (البته فراز و فرودهایی که ناشی از انتخاب واژگان و تلفظ برخی واژگان در اشعار مرادی دیده می‌شود نیز بیانگر همین اختلاف گویش شاعر با گویشی است که بدان شعر سروده است.) خوانندگان عزیز، نیک می‌دانند که میان این دو گویش تفاوت فراوانی وجود دارد و گویش دشتی، به مثابه یک گویش متمایز، دارای واژگان بسیار ویژه با تلفظ خاص است که در برخی موارد، جمله‌بندی و ساختار نحوی جمله‌ها نیز در این دو گویش متفاوت است. از سوی دیگر به عقیده زبان‌شناسان، گویش دشتی از جمله گویش‌های کهن‌تر است و بسیار نزدیک به زبان فارسی پهلوی است. مرحوم مرادی در سرودن شعر به این گویش چنان آوازی یافته است که نام خود را با گویش دشتی جاودانه کرده است. در حقیقت می‌توان گفت اسرار بسیاری را در شناسنامه گویش دشتی است و در آینده پژوهشگرانی که به جمع‌آوری و ثبت واژگان گویش دشتی خواهند پرداخت، بی‌گمان بسیاری از بیت‌های اشعار مرحوم مرادی را به عنوان شاهد مشهود در این واژگان درج خواهند کرد.

آنچه مرادی و پیشینیان وی در این عرصه به یادگار نهاده‌اند، به عنوان یک جریان و سبک ادبی، امروزه راهنما و الگوی شاعران جوانی است که در گوشه و کنار استان بوشهر به سرودن شعر گویشی مشغولند و گاهگاهی در شب‌های شعر، اشعار زبانشان را می‌خوانند و مورد تحسین و تشویق هم‌استانی‌ها قرار می‌گیرد و ما را به آینده‌ای روشن و موفق در این عرصه امیدوار می‌کنند. علاوه بر اشعار گویشی، مرادی اشعار قابل توجه دیگری نیز دارد که به زبان پارسی معیار سروده و قدرت و مهارت خویش را در سرودن شعر سنتی فارسی نیز نشان داده است.

ترجمه‌ی منظوم دعای صباح، ترجمه‌ی منظوم دعای کمیل، قطعه‌ی سرعقاب، اخوانیات و مطایبات، اشعار مذهبی و دینی و حکامه‌های مرحوم مرادی از جمله این اشعار زیبا و قابل تحسین است که می‌توان گفت تحت الشعاع اشعار گویشی وی - به‌ویژه منظومه کلاخا - واقع شده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

همه‌ی این موارد، آنگاه اعجاب‌انگیز و در خور توجه است که بدانیم آن مرحوم، شاعری و سرایش شعر را از میان‌سالگی و پس از چهل سالگی آغاز کرده و پیش از آن هیچ شعری نسروده است. شاعری مرادی در حقیقت پس از فراغت از دغدغه‌های اولیه زندگی و به آرامش رسیدن وی از امور معیشت و ارتزاق آغاز گشته است؛ یعنی دورانی که وی به عنوان پدر یک خانواده بزرگ و بزرگ یک خاندان، با اقوام و دوستان و همشهریان فاضل و اهل شعر و ادب خود، به مجلس نشینی

و نشست و برخاست با دیگران پرداخته است و در این رهگذر، با دوستان فاضل دور و نزدیک خود آشنایی و مجالست آغاز کرده است. از این دوران، عشق به مطالعه و شرکت در مباحث علمی و ادبی و شعرخوانی شاعران هم‌شهری، در دل وی جوانه می‌زند و مرادی را از عرصه‌ی کسب و کار، تجارت و شکار به کتاب و مطالعه و شعر سوق می‌دهد.

از خوش اقبال‌ی مرحوم مرادی، در این دوران جنب و جوش علمی و ادبی در شهر خورموج با گرمی و پویایی تمام در حال گسترش بود و محافل بزرگان فاضل خورموج، محل رفت و آمد علاقمندان به ادبیات و مباحث علمی روز بود و بزرگان پر آوازه‌ای مانند علی اصغر اسدی، سید محمد صادق، میرزا محمود و محمدجواد حامدی، سید علی اکبر بهزادی، شفیق شهریار، مفتون و ... محفل دل‌آزبر و جاذبه‌ای را در شهر خورموج و دیار دشتی برای افراد علاقمند و جوانان جوئی نام فراهم ساخته بودند. در محفل این بزرگان، اشعار سخنوران پیشین دشتی و شاعران پر آوازه ایران و نیز اشعار جدید شاعران کشور و هم‌چنین مباحث علمی روز، مطرح می‌شد و تشنگان دانش و ادب با تمام وجود این مباحث را دنبال می‌کردند. مطبوعات نیز در این زمان کم و بیش به دشتی می‌رسید و علاقمندان تا حدی با مباحث فرهنگی، اجتماعی و ادبی روز آشنا می‌شدند. مدارس نیز از چند دهه پیش در گوشه‌گوشه‌ی دشتی کار خود را آغاز کرده بودند و بسیاری از معلمان آن مدارس از شهرهای دورتر به دیار دشتی رفت و آمد می‌کردند و با خود رهاوردهای فرهنگی و علمی به ارمغان می‌آوردند.

همه‌ی این اتفاقات خجسته، در پروراندن شخصیت ادبی و فرهنگی جوانان آن دوره از جمله مرحوم حاج علی مرادی تأثیر بسزایی داشت و مرادی را به جهان شعر و ادبیات رهنمون ساخت. آنچه از مرحوم مرادی به‌عنوان آثار ادبی برجای مانده است محصول نه تنها دهم عمر گرانبهای او است. این بزرگوار تا واپسین روزهای زندگی نیز دست از این تلاش و تکرار و آفرینش برنداشت و نام خویش را در میان مفاخر بلند آوازه‌ی جنوب جاودانه کرد.

اشعار مرادی، همه و همه بیانگر ناکامی‌ها، دردها و رنج‌هایی است که مردم جنوب همیشه با آن دست به گریبان بوده‌اند. مرادی در حقیقت شاعر رنج‌ها و دردهای هم‌دیاران خویش است و در توصیف این دردها نهایت ظرافت و ذوق را به‌کار گرفته است. در میان اشعار وی کمتر اشعار بزمی و عاشقانه و غزل دیده می‌شود. در این اشعار، روح بی‌آلایش، صادق و ضمیر پاک آن بزرگمرد ادب و اخلاق می‌درخشد و می‌توان اعتراض و انعکاس درد و رنج مردم و دیار تفتیده جنوب را در سطر سطر اشعار مرادی دید و شنید و چشید.